

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

وحی خدا

معرف سید الشهدا علیه السلام

۲۴ مرداد ۱۳۸۶

۱ شعبان ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

سید الخیر علی

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ^(۱) .

یا اینکه نسبت به مردم [پیامبر و خاندانش علیهم السلام] بر آنچه خداوند از فضلش به آنان بخشیده است حسد می ورزند؟! ما به آل ابراهیم علیهم السلام، کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی در اختیار آنها قرار دادیم .

در آستانه اعیاد مبارک شعبانیه به خصوص میلاد میمون و مسعود حضرت سید الشهداء علیه السلام قرار داریم . سلسله مباحث گذشته پیرامون تفسیر آیات امامت و ولایت را با ذکر روایتی صحیح ادامه می دهیم .

اهمیت سید الشهداء علیه السلام :

روایتی که به تناسب ولادت سید الشهداء علیه السلام بیان می شود را مشایخ ثلاثه

۱- سوره نساء، آیه ۵۴ .

شیعه در کتب خود ذکر کرده‌اند: مرحوم کلینی رحمته الله علیه در کتاب کافی^(۱)، شیخ صدوق رحمته الله علیه در کتابهای کمال الدین^(۲) و عیون اخبار الرضا رحمته الله علیه^(۳)، شیخ طوسی رحمته الله علیه در کتاب الغیبة^(۴). همچنین این روایت را سایر علما چون، نعمانی^(۵)، ابن شهر آشوب^(۶)، طبرسی^(۷) و ابن بابویه رحمته الله علیه^(۸) در کتب خود نقل کرده‌اند.

امام صادق رحمته الله علیه می فرماید:

« قال أبو جابر بن عبد الله الأنصاري: إن لي إليك حاجة فمتى يخف عليك أن أخلو بك فأسألك عنها؛

پدرم (امام باقر رحمته الله علیه) به جابر ابن عبدالله انصاری فرمودند: خواسته‌ای از تو دارم، چه هنگام فرصت داری، تا با تو خلوت نمایم و درخواست خود را طرح نمایم.

فقال له جابر: أي الأوقات أحببته. فخلابه في بعض الأيام فقال رحمته الله علیه له: يا جابر أخبرني عن اللوح الذي رأيتته في يد أمي فاطمة رحمته الله علیه بنت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و ما أخبرتك به أمي أنه في ذلك اللوح مكتوب؟؛

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۵۲۷.

۲- کمال الدین، صفحه ۳۰۹.

۳- عیون اخبار الرضا رحمته الله علیه، جلد ۲ صفحه ۴۸.

۴- الغیبة، جلد ۳ صفحه ۱۰۴.

۵- کتاب الغیبة نعمانی، صفحه ۶۲.

۶- مناقب، جلد ۱ صفحه ۲۵۶.

۷- احتجاج، جلد ۱ صفحه ۸۵.

۸- الامامة والتبصره، صفحه ۱۰۳.

جابر عرض کرد: هر زمانی شما بیسندید، حاضر هستم.

روزی پدرم عَلَيْهِ السَّلَامُ با او خلوت نموده به او فرمودند: ای جابر! از لوحی که در دست مادرم حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ دختر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دیدی و از آن نوشته‌هایی که مادرم از آن لوح بر تو خواند مرا با خبر ساز.

فقال جابر: أشهد بالله أنني دخلت على أمك فاطمة عَلَيْهَا السَّلَامُ في حياة رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فهنيتها بولادة الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ ورأيت في يدها لوحاً أخضر، ظننت أنه من زمرد ورأيت فيه كتاباً أبيض شبه لون الشمس؛

جابر عرض کرد: خداوند را گواه می‌گیرم که در زمان حیات رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نزد مادر شما حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ برای عرض تبریک به مناسبت ولادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ رفتم. در دستان مادرتان لوحی سبز رنگ دیدم و گمان کردم که از زمرد است و در آن نوشته‌هایی به رنگ سفید شبیه به رنگ آفتاب دیدم.

فقلت لها: بأبي وأمي يا بنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ما هذا اللوح؟ فقالت: هذا لوح أهداه الله إلي رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فيه اسم أبي واسم بعلي واسم ابني واسم الأوصياء من ولدي وأعطانيه أبي ليبشرنني بذلك؛

به ایشان عرض کردم: پدر و مادرم به فدای شما ای دخت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! این لوح چیست؟

ایشان فرمودند: این لوحی است که خداوند متعال آن را به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هدیه داده است و در آن اسم پدرم، همسرم، دو

فرزندم و اسم امامانی که از نسل فرزندم می باشند نوشته شده است، و پدرم برای مژدگانی این امر آن را به من عطا فرمودند. (پدرم آن را به عنوان شاد باش به من هدیه داده است.)

قال جابر: فأعطتني أمك فاطمة عليها السلام فقرأتها واستنسخته،

فقال له أبي: فهل لك يا جابر أن تعرضه عليّ؟

قال: نعم، فمشى معي أبي إلى منزل جابر فأخرج صحيفة من رقّ؛

آنگاه جابر به پدرم عليه السلام عرض کرد: مادرتان عليها السلام آن لوح را به من دادند، و من آن را خواندم و رو نوشتی از آن برداشتم.

سپس پدرم عليه السلام به او فرمودند: آیا می توانی آن را به من نشان دهی؟

جابر عرض کرد: آری، سپس پدرم عليه السلام همراه با جابر به راه افتادند تا به منزل جابر رسیدند و جابر نوشته ای را که بر روی برگه ای بود آورد،

فقال: يا جابر! أنظر في كتابك لأقرأ عليك، فنظر جابر في نسخة فقرأه أبي، فما خالف حرف حرفاً،

فقال جابر: فأشهد بالله أنني هكذا رأيتها في اللوح مكتوباً؛

پدرم عليه السلام به جابر فرمودند: ای جابر! به نوشته خود بنگر، تا آن را [از حفظ] بر تو بخوانم. جابر به نوشته های خود نگریست و پدرم عليه السلام آن را [از حفظ و] بدون هیچ تفاوتی خواندند، سپس جابر عرض کرد: خداوند را شاهد و گواه می گیرم که من در لوح این نوشته ها را دیدم.

بسم الله الرحمن الرحيم ، هذا كتابٌ من الله العزيز الحكيم لمحمد نبيّه
ونوره وسفيره وحجابه ودليله ، نزل به الروح الأمين من عند ربّ
العالمين ؛

به نام خداوند بخشنده و مهربان ، این کتابی است از خداوند عزیز و
حکیم به محمد ﷺ که پیامبر ، نور ، فرستاده ، حجاب و نشانه
خداوند است و آن را جبرئیل از نزد خداوند جهانیان فرو آورده
است .

عظّم يا محمدُ آسمائي واشكر نعمائي ولا تجحد آلائي ، إني أنا الله لا إله إلا
أنا ، قاصم الجبارين ومديل المظلومين وديان الدين ، إني أنا الله لا إله إلا
أنا ، فمن رجا غير فضلي أو خاف غير عدلي عذّبه عذاباً لا أعدّبه أحداً من
العالمين ، فإياي فاعبد و عليّ فتوكّل ؛

ای محمد ﷺ! نام‌های مرا بزرگ دار و نعمت‌هایم را شکر کن و آنها
را انکار مکن . به درستی که من خدایی هستم که به جز من خدایی
نیست . جباران را در هم می‌شکنم و به ستم‌دیگان نزدیک هستم و
مالک و حاکم روز رستاخیز می‌باشم .

من خدایی هستم که به جز من خدایی نیست . هر کس به فضل غیر از
من امید داشته باشد و از عدالت غیر از من هراس ، او را به گونه‌ای
عذاب می‌کنم که تا به حال کسی از جهانیان را عذاب نکرده باشم ؛ پس
مرا عبادت و پرستش کن و بر من توکل نما .

إِنِّي لَمْ أبعث نبيًّا فأُكملت أَيْامه وانقضت مدّته إِلَّا جعلت له وصيًّا وإِنِّي فضّلتك على الأنبياء وفضّلت وصيّك على الأوصياء واکرمتك بشبليک وسبّطیک حسن و حسین [عَلَيْهِمَا السَّلَام]؛

من هیچ پیامبری را برنگزیدم مگر آنکه پس از به سر آمدن دورانش برای او جانشینی برگزیدم و من تو را بر تمام پیامبران برتری بخشیدم و جانشین تو را نیز بر تمام جانشینان پیامبران برتری دادم و تو را به دو فرزند دخترت حسن و حسین [عَلَيْهِمَا السَّلَام] کرامت دادم.

فجعلت حسناً معدن علمي بعد انقضاء مدّة أبيه وجعلت حسيناً خازن وحيي وأكرمته بالشهادة وختمت له بالسعادة فهو أفضل من استشهد وأرفع الشهداء درجة، جعلت كلمتي التامة معه وحجّتي البالغة عنده بعترته أئيب وأعاقب»^(۱).

حسن [عَلَيْهِ السَّلَام] را پس از پدرش معدن علم خود قرار دادم و حسین [عَلَيْهِ السَّلَام] را مخزن وحي قرار دادم. او را با شهادت کرامت بخشیدم و حیات دنیوی او را با سعادت ختم نمودم. او والاترین شهید است و بالاترین مرتبه شهدا را دارا است. کلمه تامه من با اوست و حجّت بالغه من در نزد اوست و به وسیله فرزندان او پاداش می دهم و عقاب می کنم.

در پایان این فراز از روایت، خداوند متعال برای سید الشهداء [عَلَيْهِمَا السَّلَام] چند

ویژگی مهم بر می شمارد که عبارت است از:

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۵۲۷.

- ۱ - خازن وحی الهی .
- ۲ - تکریم ایشان با شهادت .
- ۳ - ختم حیات ایشان با سعادت .
- ۴ - والاترین شهید .
- ۵ - دارای بالاترین رتبه در نزد شهدا .
- ۶ - همراه بودن کلمه الله با ایشان .
- ۷ - حجت بالغه خداوند نزد ایشان .
- ۸ - پاداش و کیفر بوسیله فرزندان ایشان .

هر یک از ویژگی‌های فوق توضیحی مسبوط می‌طلبد، می‌کوشیم برخی از آنها را شرح دهیم .

سید الشهداء علیهم‌السلام خازن وحی الهی :

خداوند متعال در این کلام، ابا عبدالله علیهم‌السلام را خازن وحی خود می‌نامد. اما برای اینکه بتوانیم به گوشه‌ای از مقام والای این خازن وحی پی ببریم، ناگزیر باید مختصری در رابطه با خود وحی بدانیم؛ زیرا به خوبی روشن است که خداوند یکی از ویژگی‌های سید الشهداء علیهم‌السلام که موجب کرامت ایشان شده را، خازن وحی بودن حضرت علیهم‌السلام دانسته است .

وحی خداوند همانند بسیاری از امور ابتداء و انتهای دارد. ابتداء وحی الهی با آفرینش حضرت آدم علیهم‌السلام آغاز شد .

در این رابطه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^(۱).

سپس علم انبیاء [علیهم‌السلام] [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم [علیهم‌السلام] آموخت، بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید اسامی اینها را به من خبر دهید.

با نبوت خاتم الانبیاء ﷺ وحی به انتهای رسید و درب آن بسته شد، در

این رابطه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * ... فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾^(۲).

هرگز از روی هوی نفس سخن نمی‌گوید * آنچه می‌گوید جز وحیی که بر او نازل شده نیست * ... در این جا خداوند آنچه را وحی کردنی بود به بنده‌اش وحی نمود.

با توجه به این دو آیه و ضمیمه کردن فراز پایانی روایت، که صراحتاً سید

الشهدا علیهم‌السلام را حجت خداوند معرفی می‌کند، در می‌یابیم که سید الشهدا علیهم‌السلام مخزن و گنجینه تمام وحیی است که از آدم علیهم‌السلام آغاز گردید و به خاتم الانبیاء ﷺ ختم شد؛ سید الشهدا علیهم‌السلام وارث و خازن وحی تمام پیامبران علیهم‌السلام است.

۱- سوره بقره، آیه ۳۱.

۲- سوره نجم آیات ۱۰ و ۴-۳.

در زیارت وارث آمده است :

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ»^(۱).

سلام بر تو ای وارث آدم [علیهِ السَّلَامُ] برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح [علیهِ السَّلَامُ] پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم [علیهِ السَّلَامُ] خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی [علیهِ السَّلَامُ] هم صحبت خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی [علیهِ السَّلَامُ] روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد [علیهِ السَّلَامُ] حبیب خدا.

ابا عبدالله [علیهِ السَّلَامُ] از انبیاء [علیهِمُ السَّلَامُ] گذشته چه چیزی به ارث برده است؟ آیا زمین و گله‌های گوسفند حضرت ابراهیم [علیهِ السَّلَامُ] به وی رسیده است؟ یا مال و اموال حضرت موسی [علیهِ السَّلَامُ]؟ خیر، ایشان [علیهِمُ السَّلَامُ] علم آنها را به ارث برده و وحیی که به آنها می‌شده به ایشان رسیده است.

ناتوانی درک مقام سید الشهداء [علیهِ السَّلَامُ] :

کسی تاب و توان شنیدن منزلت، اسرار و گوهرهایی که نزد ابا عبدالله [علیهِ السَّلَامُ] و اهل بیت [علیهِمُ السَّلَامُ] مخزون است را ندارد تا چه رسد به توانایی وشایستگی درک و

۱- کامل الزیارات، صفحه ۳۵۷.

تعقل و تفکر در مقام و منزلت ایشان.

در این رابطه روایتی بدین مضمون وجود دارد که گروهی خدمت اباعبدالله علیه السلام شرفیاب شدند و عرض کردند: « شمه‌ای از مقامی که خداوند متعال به شما عطا نموده است را برای ما بازگو نمایید ». اباعبدالله علیه السلام در پاسخ فرمودند:

« إِنْكُمْ لَا تَحْتَمِلُونَهُ وَلَا تَطِيقُونَهُ » .

شما تحمل و طاقت شنیدن آن را ندارید.

پس از اصرار فراوان آنان، امام علیه السلام حاضر شدند که با یک نفر از ایشان سخن بگویند، اما ناگهان شنونده همانند انسان عقل از سر پریده از جای برخاست و گریخت^(۱).

و در روایتی دیگر آمده است که شخصی خدمت سید الشهدا علیه السلام شرفیاب شد و از ایشان تقاضا نمود تا بخشی از فضائی را که خداوند متعال به ایشان عطا نموده است، برای او بگویند. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:

« إِنَّكَ لَنْ تَطِيقَ حَمْلَهُ » .

تو تحمل شنیدن آن را نداری.

آن شخص عرض کرد: « تحمل و طاقت شنیدن آن را دارم ». اباعبدالله علیه السلام زبان به سخن گشودند که ناگهان تمام موهای سر و صورت آن شخص سفید گشت^(۲). در این رابطه قطب راوندی رحمته الله که از مفاخر جهان اسلام و شهر کاشان محسوب

۱- اثبات الهداة، جلد ۵ صفحه ۱۹۴.

۲- اثبات الهداة، جلد ۵ صفحه ۱۹۵.

می‌شود، چنین روایتی نقل می‌نماید:

« صار جماعة من الناس بعد موت الحسن عليه السلام إلى الحسين عليه السلام فقالوا:

يا بن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما عندك من أعاجيب أبيك التي كان يريناها؟ فقال:

هل تعرفون أبي؟

پس از شهادت امام حسن مجتبی عليه السلام گروهی خدمت امام حسین عليه السلام

رفتند و عرض کردند: چه کار شگفت‌انگیزی همانند پدرتان

می‌توانید به ما نشان دهید؟ امام عليه السلام فرمودند: آیا پدرم را

می‌شناسید؟

فقالوا: كلنا نعرفه، فرفع لهم سترأ كان على باب بيت ثم قال: انظروا في

البيت، فنظرنا فإذا أمير المؤمنين عليه السلام فقلنا: هذا أمير المؤمنين عليه السلام

ونشهد أنك خليفة الله حقاً وأنتك ولده»^(۱).

آنان عرض کردند: آری، همه ما او را می‌شناسیم، پس امام عليه السلام

پرده‌ای را که بر درب خانه آویخته بود کنار زدند و به آنان فرمودند: به

داخل خانه بنگرید. آنان نگریستند و امیرالمؤمنین عليه السلام را دیدند

سپس عرض کردند: ما امیرالمؤمنین عليه السلام را می‌بینیم و شهادت

می‌دهیم که شما خلیفه برحق خداوند و فرزند خلیفه خدا می‌باشید.

در روایت دیگری آمده است: گروهی خدمت امام مجتبی عليه السلام شرفیاب

شدند و از ایشان تقاضا نمودند که امری شگفت‌انگیز به آنان نشان دهند تا بر

۱- الخرايج والجرايح، جلد ۲ صفحه ۸۱۱.

امامت آن حضرت مطمئن شوند. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «اگر امیرالمؤمنین علیه السلام را ببینید می‌شناسید؟» آنان عرض کردند: آری، سپس امام علیه السلام فرمودند:

«فارعوا هذا الستر، فرغوه فإذا هم به عليّ علیه السلام لا ينكرونه، فقال لهم عليّ علیه السلام: إني يموت من مات متاً وليس بميتٍ ويبقى من بقى حجة عليكم»^(۱).

پرده را به کناری نهد، آنان پرده را برداشتند، و دیدند که امیرالمؤمنین علیه السلام در آن جا است و نتوانستند منکر حضور امیرالمؤمنین علیه السلام بشوند. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام به آنان فرمودند: هر کس که از ما بمیرد، براستی نمرده است، و آن کسی که بماند حجت خداوند است بر شما.

شهادت، کرامت سید الشهداء علیه السلام:

ویژگی دیگری که خداوند متعال برای سیدالشهداء علیه السلام بر می‌شمارد این است که خداوند حضرتش را به وسیله شهادت تکریم کرده است. هر چند شهادت سیره و کرامت همه ائمه معصومین علیهم السلام است و هیچ یک از این انوار قدسیه به مرگ طبیعی از دنیا رحلت نفرموده‌اند، اما شهادت خونبار و در میدان جنگ، مقام اختصاصی و انحصاری سید الشهداء علیه السلام است و این مقام ایشان علیهم السلام را از سایر معصومین علیهم السلام ممتاز می‌نماید. مقام و منزلت شهادت، مقامی بسیار والا می‌باشد که در زیارت عاشورا سید الشهداء علیه السلام را به این مقام سوگند می‌دهیم،

۱- الخرائج والجرائح، جلد ۲ صفحه ۸۱۸.

« فأسئَلُ اللهَ الَّذِي أكرمَ مقامك »^(۱).

پس از خداوندی که مقام شما را [به وسیله شهادت] گرامی داشت
درخواست می‌کنم ...

در روز سوم شعبان که مصادف با ولادت سید الشهدا علیه السلام می‌باشد،
خواندن دعایی مستحب است فرازهای آغازین آن این گونه است:

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ بِحَقِّ المولودِ في هذا اليومِ ، الموعودِ بشهادته قبل
استهلاله وولادته ...

بار خدایا! براستی من درخواست می‌کنم از تو به حق کسی که امروز
به دنیا آمده، کسی که وعده داده شده به شهادتش پیش از یک ماهه
شدنش، و ولادتش ...

پاداش شهادت سید الشهدا علیه السلام:

خداوند متعال در قبال شهادت سید الشهدا علیه السلام امتیازاتی به ایشان عنایت
فرموده است .

« المعوِّضُ من قتله أنَّ الأئمةَ من نسله والشِّفاءُ في تربته والفوزُ معه في
أوبته »^(۲).

خداوند متعال عوض شهادت به ایشان عنایت فرموده است که،

۱- کامل الزیارات، صفحه ۳۲۹.

۲- مصباح، صفحه ۸۲۶.

امامان [علیهم السلام] از نسل و فرزندان او هستند؛ در تربت ایشان شفا از بیماری وجود دارد و در بازگشت مجدد ایشان [در رجعت] رستگاری با ایشان است.

قسمت پایانی عبارت فوق اشاره به رجعت می‌کند، پس از ظهور امام زمان (عجل الله فرجه الشریف)، سید الشهداء [علیه السلام] به همراه کسانی که از رستگارانند به دنیا باز خواهند گشت.

در زیارت ناحیه مقدسه، امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) به جد بزرگوار خود سید الشهداء این گونه درود و سلام می‌فرستند:

«السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ جَعَلِ الشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مِنَ الْإِجَابَةِ تَحْتَ قَبْرِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مِنَ الْأُتَمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ»^(۱).

سلام بر کسی که تربت او شفا بخش است. سلام بر کسی که دعا در زیر گنبد او مستجاب می‌شود. سلام بر آن کسی که ائمه [علیهم السلام] از نسل و فرزندان او هستند.

محمد ابن مسلم از امام باقر و امام صادق [علیهم السلام] نقل می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَوَّضَ الْحُسَيْنِ [عَلَيْهِ السَّلَام] مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَالشِّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ وَإِجَابَةَ الدَّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَلَا تَعْدُ أَيَّامَ زَائِرِيهِ جَائِبًا وَرَاجِعًا مِنْ عَمْرِهِ»^(۲).

۱- المزار، صفحه ۴۹۷.

۲- امالی طوسی، صفحه ۳۱۷.

خداوند متعال در قبال شهادت، به سید الشهداء علیهم السلام امتیازاتی عنایت فرمود؛ امامان علیهم السلام را از نسل ایشان قرار داد و تربت مرقد ایشان را شفا بخش کرد و دعا را در کنار مرقدشان اجابت می‌کند و روزهایی را که زائران برای زیارت وی سپری نمایند - در رفتن و بازگشتن - از روزهای عمر آنان به شمار نمی‌رود.

اهمیت در نسل سید الشهداء علیهم السلام:

این که ائمه اطهار علیهم السلام از نسل اباعبدالله علیه السلام می‌باشند ویژگی و امتیاز کوچکی نمی‌باشد؛ زیرا امامت مقام بسیار عظیم و شریفی است و به خاطر عظمت مقام امامت است که حضرت ابراهیم علیه السلام آن را از خداوند متعال برای فرزندان خود طلب می‌کند^(۱).

حضرت ابراهیم علیه السلام از پیامبران اولوالعزم می‌باشد، دارای کتاب آسمانی است و به مقام خلّت و دوستی با خدا دست یافته است اما در عین حال از خداوند متعال درخواست می‌کند که امامت را در نسل او قرار دهد.

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^(۲).

بخاطر آورید، هنگامی که خداوند ابراهیم علیه السلام را با وسایل گوناگون

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۱۷۵.

۲- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

آزمود و او به خوبی از عهده این آزمایشها بر آمد، خداوند به او فرمود: (من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم) ابراهیم علیه السلام عرض کرد: از دودمان من نیز امامانی قرار بده، خداوند فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی رسد، و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام اند.

سید الشهداء علیه السلام در نیکی‌ها بی همتا:

روایات فراوانی وجود دارد که بیان می‌کند امام حسن و امام حسین علیهما السلام هر دو امام هستند چه قیام بکنند و چه نکنند^(۱)، آری! هر دو امام اند و تفاوتی از این جهت بین این دو بزرگوار وجود ندارد، ولی اباعبدالله علیه السلام امتیاز ویژه‌ای دارند و بنا به گفته شاعر اهل بیت علیهم السلام البوصیری:

منزّه عن شريك في محاسنه وجوهر الحسن فيه غير منقسم^(۲)

سید الشهداء علیه السلام در خصلتهای نیک خود هیچ شریکی ندارد. ذات نیک او قابل تقسیم نیست.

تربت سید الشهداء علیه السلام شفا بیماریها:

خداوند متعال به سید الشهداء علیه السلام در قبال شهادت و تحمل آن صحنه‌های

۱- ارشاد، جلد ۲ صفحه ۳۰.

۲- محمد بن سعید، صاحب قصیده معروف به کواکب دریّه، الکنی والالقباب، جلد ۲ صفحه ۹۷.

دلخراش و جگر سوز کربلا در تربت ایشان شفا و درمان قرار داد. در صدر سخن روایتی از جابر ابن عبدالله انصاری رضی الله عنه خواندیم. بر اساس روایات وی اولین زائر سید الشهداء علیه السلام در روز اربعین می‌باشد. جابر در هنگام زیارت اربعین نابینا بود و عطیته، که از بزرگان قزّا و محدّثین می‌باشد، دست او را می‌گرفت راهنمایی می‌کرد. از طرف دیگر می‌دانیم که از عاشورا تا زمان امام باقر علیه السلام در حدود چهل سال فاصله می‌باشد. پرسش این است که چگونه جابر در هنگام زیارت اربعین نابینا بود، امّا در زمان امام باقر علیه السلام بینا بود و لوح را نگاه می‌کرد تا امام علیه السلام نوشته‌های آن را از حفظ بخوانند؟

پاسخهای متعدّدی برای این پرسش داده شده است؛ برخی در پاسخ بیان کرده‌اند که جابر نابینا نبود؛ امّا به خاطر شدّت غم و اندوه در روزهای شهادت اباعبدالله علیه السلام چشمانش تار و ضعیف گشته بود ولی این پاسخ پذیرفتنی نیست زیرا مورّخین به صراحت بیان کرده‌اند که جابر نابینا بوده است. آنچه به نظر صحیح می‌رسد این است که جابر در روز اربعین نابینا بود امّا هنگام زیارت سید الشهداء علیه السلام از خاک تربت سید الشهداء علیه السلام شفا گرفت و بینا گردید.

حارث بن مغیره می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام عرض نمودم:

«إني رجل كثير العلل والأمراض وما تركت دواء إلا وقد تداويت به، فقال لي: فأين أنت عن تربة الحسين علیه السلام فإنّ فيها الشفاء من كلّ داء والأمن من كلّ خوف؛

من بیماری‌ها و درد بسیاری دارم و از همه داروها برای درمان استفاده

کرده‌ام [ولی نتیجه بخش نبوده است] امام صادق علیه السلام فرمودند: برای درمان از تربت سید الشهداء علیه السلام استفاده کن به درستی که در آن درمان همه بیماریها و امنیت و سلامت از هر ترسی می‌باشد.

... قلت: قد عرفت الشفاء من كل داء فكيف الأمان من كل خوف؟ قال: إذا خفت سلطاناً أو غير ذلك فلا تخرج من منزلك إلا ومعك من طين قبر الحسين علیه السلام»^(۱).

به امام علیه السلام عرض نمودم: معنی شفا از هر بیماری را می‌فهمم اما چگونه با آن از ترس در امان هستم؟ امام علیه السلام فرمودند: اگر از سلطان یا هر شخص دیگری می‌هراسی، از خانه خارج نشو مگر آنکه مقداری از خاک مرقد ابا عبدالله علیه السلام را به همراه داشته باشی.

روایات فراوانی در مورد اهمیت و جایگاه تربت سید الشهداء علیه السلام وجود دارد. علاوه بر آنکه تربت ایشان موجب درمان بیماریهای جسمی و روحی می‌باشد، صرف در دست داشتن آن ثواب دارد^(۲)، در روایات آمده است که کام فرزندانان را با تربت بردارید^(۳). در روایات دیگر آمده است که مستحب است در کفن میت مقداری تربت سید الشهداء علیه السلام بگذارند تا از عذاب قبر در امان باشد^(۴).

۱- کامل الزیارات، باب ۹۳ حدیث ۱۰.

۲- بحار الانوار، جلد ۸۲ صفحه ۳۴۰.

۳- کامل الزیارات، باب ۹۲ حدیث ۲.

۴- وسائل الشیعه، جلد ۳ صفحه ۲۹.

اهمیت سجده بر تربت سید الشهداء علیه السلام:

سجده بر تربت سید الشهداء علیه السلام اهمیت به سزایی دارد و موجب هر چه نزدیکتر شدن نمازگزار با خداوند متعال می‌گردد. در روایتی صحیح از معاویه بن عمّار^(۱) آمده است که:

«السجود علی طین قبر الحسین علیه السلام ینور إلی الأرض السابعة»^(۲).

سجده بر تربت سید الشهداء علیه السلام زمینهای هفتگانه را روشن می‌کند.

در روایتی دیگر معاویه بن عمّار می‌گوید:

«کان لأبی عبدالله علیه السلام خريطة دیباج صفراء فیها تربة أبي عبدالله علیه السلام

فکان إذا حضر الصلاة صبّ علی سجادته ویسجد علیه، ثم قال علیه السلام:

السجود علی تربة الحسین علیه السلام یخرق الحجب السابع»^(۳).

امام صادق علیه السلام جا نمازی زرد رنگ داشتند که در آن تربت ابا عبدالله علیه السلام

بود. هنگامی که امام صادق علیه السلام می‌خواستند نماز بخوانند، آن را در

سجاده می‌گذاشتند و بر آن سجده می‌کردند و می‌فرمودند: سجده بر

تربت ابا عبدالله علیه السلام حجاب‌های هفتگانه را می‌برد.

۱- معرفی معاویه بن عمّار: وی از اصحاب و راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که از محضر امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم السلام کسب فیض نموده و در سند ۹۶۴ حدیث واقع شده است. از اساتید او می‌توان به ابو حمزه ثمالی، ابو بصیر، ادریس قمی و اسماعیل بن یسار نام برد. برای وی شاگردانی همچون ابو اسحاق، ابو اسماعیل السراج، ابو جمیل، احمد بن محبوب و ابن ابی نصر، نام برده‌اند (معجم الرجال خویی، ص ۲۰۹ و ۲۱۰).

۲- من لا یحضره الفقیه، جلد ۱ صفحه ۲۶۸.

۳- بحار الانوار، جلد ۸۲ صفحه ۱۵۳.

در لغت عرب کان همراه با فعل مضارع معنای استمرار می‌دهد، و آمدن این کلمه در ابتدای حدیث به این معنی است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ همیشه هنگام نماز خواندن، بر تربت سید الشهداء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سجده می‌کردند.

تکبیرات نماز رافع حجابهای هفتگانه:

حضرت موسی بن جعفر عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در روایتی در رابطه با معراج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

می‌فرماید:

«إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ قَطَعَ سَبْعَةَ حِجَبٍ فَكَبَّرَ عِنْدَ كُلِّ حِجَابٍ تَكْبِيرَةً فَأَوْصَلَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِذَلِكَ إِلَى مَتْنِهِ الْكَرَامَةِ»^(۱).

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که به معراج رفتند، هفت حجاب را با هفت تکبیر پشت سرگذازدند و خداوند متعال او را بدین وسیله به نهایت کرامت رساندند.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام عبور از هر یک از حجاب‌های هفتگانه تکبیر گفتند، آن‌گاه به نقطه اوج و به نزدیکترین فاصله با پروردگار عالمیان، رسیدند.

﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾^(۲).

سپس نزدیک شد و فرود آمد * تا که فاصله آنها به قدر دو کمان شد یا کمتر.

و شاید به همین دلیل مستحب است پیش از تکبیرة الاحرام هفت مرتبه

تکبیر بگوئیم^(۳)؛ زیرا هر یک از این تکبیرها یک حجاب را بر می‌دارد.

۱- من لا یحضره الفقیه، جلد ۱ صفحه ۳۰۵.

۲- سوره نجم، آیه ۹ و ۸.

۳- الخلاف، جلد ۱ صفحه ۳۳۳.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«إن رسول الله صلى الله عليه وآله كان في الصلاة وإلى جانبه الحسين بن علي عليه السلام ، فكبر رسول الله صلى الله عليه وآله فلم يحرك الحسين عليه السلام التكبير ، فلم يزل رسول الله صلى الله عليه وآله يكبر ويعالج الحسين عليه السلام التكبير فلم يحركه ، حتى أكمل سبع تكبيرات ، فأحار الحسين عليه السلام التكبير في السابعة ، فقال أبو عبدالله عليه السلام : وصارت سنة»^(۱).

روزی پیامبر صلى الله عليه وآله به نماز ایستاده بودند و امام حسین عليه السلام [در سن کودکی] در کنار ایشان بودند. پیامبر صلى الله عليه وآله تکبیر گفتند اما سید الشهدا عليه السلام نمی‌توانستند تکبیر بگویند. تا اینکه سید الشهدا عليه السلام توانستند در مرتبه هفتم، تکبیر بگویند، سپس امام صادق عليه السلام فرمودند: هفت تکبیر در ابتدای نماز سنت شد.

با این دو روایت جایگاه سید الشهدا عليه السلام در احکام نماز تا حدودی روشن می‌گردد، زیرا نماز با هفت تکبیر افتتاح می‌شود برای دریده شدن هفت حجاب، که این هفت تکبیر بواسطه سید الشهدا عليه السلام سنت گردید و از طرف دیگر آخرین رکن نماز که سجده است، اگر بر تربت اباعبدالله عليه السلام باشد موجب پاره شدن حجابهای هفتگانه می‌گردد.

امیرالمؤمنین عليه السلام و درخواست رفع حجاب:

حال که سخن از رفع حجاب به میان آمد بسیار مناسب است که به برخی

۱- علل الشرایع، جلد ۲ صفحه ۳۳۱.

از فرازهای مناجات شعبانیّه اشاره کنیم تا ببینیم امیرالمؤمنین علیه السلام چگونه خداوند را می‌خواند که حجابهای او را بردارد.

«إلهی هبّ لی کمال الانقطاع إلیک وأنر أبصار قلوبنا بضیاء نظرها إلیک حتّی تخرق أبصار القلوب حجب الثّور، فتصل إلی معدن العظمة و تصیر أرواحنا معلّقة بعزّ قدسک؛

پروردگارا! کمال بریدن از خلق به سویت را به من عطا کن، و چشم دل ما را به روشن شدن نگاهش به سویت نورانی کن [و ما را به سوی خویش رهنمون ساز] تا دیده دل‌های ما پرده‌ها و حجابهای نور را بدرد، تا متصل گردد به معدن بزرگواری و روح‌های ما در عزّت و قداستت معلق گردد.

إلهی واجعلنی ممّن نادیته فأجابک و لاحظته فصعق لجلالک فناجیته سرّاً و عمل لك جهراً»^(۱).

بارالها! ما را قرار ده از کسانی که صدایشان زدی و پاسخ دادند تو را، و نگاهش کردی و در برابر بزرگواریت بی هوش گردیدند، با او به پنهانی سخن گفتمی و او با آشکارا برای تو کار کرد.

زیارت سید الشهدا علیه السلام آرزوی فرشتگان و انبیاء علیهم السلام :

چرا در تربت اباعبدالله اثری از حجاب نیست؟ زیرا خاکی که در آن خون

۱- اقبال الاعمال، صفحه ۲۹۹.

سید الشهداء علیه السلام ریخته شده است دارای ارزش فراوانی است؛ خون سید الشهداء علیه السلام در بهشت قرار دارد.

« أشهد أن دمك سكن في الخلد »^(۱).

شهادت می‌دهم که خون شما در بهشت خُلد ساکن است.

ابن عباس می‌گوید: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم را در خواب دیدم که در دست ایشان ظرفی از خون بود. به ایشان عرض کردم:

« ما هذا الدم ، قال : دم الحسين علیه السلام »^(۲).

این خون چه کسی است، در پاسخ فرمودند: این خون حسین علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

« إن الله بنفسه يقبض أرواحهم ».

خداوند متعال مستقیماً به دست خود، شهدای کربلا را قبض روح کرد.

تمام ملائکه و انبیاء علیهم السلام از خداوند درخواست می‌کنند که به زیارت سید

الشهدا علیه السلام شرفیاب شوند امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

« فليس من ملك مقرب ولا نبي مرسل إلا وهو يسأل الله تعالى أن يزور

الحسين علیه السلام ففوج يهبط وفوج يصعد »^(۳).

۱- کافی، جلد ۴ صفحه ۵۷۶.

۲- بحار الانوار، جلد ۴۵ صفحه ۲۳۲.

۳- کامل الزیارات، باب ۳۹ حدیث ۳.

هیچ فرشته و پیامبری نیست مگر آنکه از خداوند می‌خواهند که به آنان اجازه دهد به زیارت سید الشهداء بروند گروهی فرود می‌آیند و گروهی بالا می‌روند.

از اینکه فرشتگان و پیامبران علیهم‌السلام به زیارت اباعبدالله علیه‌السلام می‌آیند، در می‌یابیم که آن قطعه از زمین کربلا، هر چند در این کرهٔ خاکی جای گرفته اما در حقیقت آسمانی است.

همان گونه که در عاشورا شهر دگرگون می‌شود و همه جا را سیاه پوش می‌کنیم و این امتیازی برای کاشان نسبت به شهرهای دیگر است بسیار مناسب است که در روز ولادت سید الشهداء علیه‌السلام شهر را آذین بندی کنیم و آثار شمع و شادی را نمایان کنیم و همانند جابر به حضرت صدیقه کبری علیها‌السلام به مناسبت ولادت فرزندشان تبریک و تهنیت بگوییم.

خداوند همهٔ ما را با آن بزرگان محشور کند و دست ما را در دنیا و آخرت از دامان آنان کوتاه نفرماید.

« والسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خود آزمایی :

- ① جابر بن عبدالله انصاری برای چه منظوری خدمت حضرت زهرا علیها السلام شرفیاب شد؟
- ② چه امتیازاتی برای سید الشهداء علیه السلام در حدیث لوح ذکر شده است؟
- ③ ابتدا و انتهای وحی را بنویسید.
- ④ منظور از اینکه سید الشهداء علیه السلام خازن وحی است چیست؟
- ⑤ سید الشهداء علیه السلام چگونه ثابت کردند که خلیفه خداوند هستند؟
- ⑥ معنی اینکه سید الشهداء علیه السلام وارث پیامبران علیهم السلام گذشته‌اند چیست؟
- ⑦ خداوند متعال سید الشهداء علیه السلام را چگونه کرامت بخشید؟
- ⑧ خداوند متعال در قبال شهادت، به سید الشهداء علیه السلام چه چیزهای عنایت فرمود؟
- ⑨ تربت سید الشهداء علیه السلام موجب درمان چه بیماری‌های است؟
- ⑩ اهمیت سجده بر تربت سید الشهداء علیه السلام را بنویسید.
- ⑪ اهمیت اینکه امامت در نسل سید الشهداء علیه السلام قرار گرفت را بیان کنید.
- ⑫ امام صادق علیه السلام برای سجده نماز چه می‌کردند و چه می‌فرمودند؟

این که ائمه اطهار علیهم السلام از نسل
اباعبدالله علیه السلام می باشند ویژگی و امتیاز
کوچکی نمی باشد؛ زیرا امامت مقام
بسیار عظیم و شریفی است و به خاطر
عظمت مقام امامت است که حضرت
ابراهیم علیه السلام آن را از خداوند متعال برای
فرزندان خود طلب می کند. حضرت
ابراهیم علیه السلام از پیامبران اولوالعزم
می باشد، دارای کتاب آسمانی است و به
مقام خلّت و دوستی با خدا دست یافته
است اما در عین حال از خداوند متعال
درخواست می کند که امامت را در نسل او
قرار دهد.

(صفحه ۱۷ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳